



اثربخشی آموزش مدل همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زنان

دانشجوی دکتری گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
استادیار گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
دانشیار، گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

شاهو فاتحی ^{ID}

امید مرادی* ^{ID}

فایق یوسفی ^{ID}

moradioma@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۴ پیاپی ۱۳ | ۵۰۹-۵۲۳
زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(فاتحی، مرادی و یوسفی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

فاتحی، شاهو، مرادی، امید، و یوسفی، فایق.
(۱۴۰۱). اثربخشی آموزش مدل همسرآزاری بر
کاهش گرایش به طلاق زنان. *خانواده درمانی*
کاربردی، ۳(۴)، ۵۰۹-۵۲۳.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر اثربخشی آموزش مدل همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر سنندج بود. **روش پژوهش:** روش مطالعه حاضر جزء تحقیقات نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون و پیگیری با گروه گواه محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره طلاق، بهزیستی، اورژانس اجتماعی و مراکز مشاوره سطح شهر سنندج در سال ۱۴۰۰ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. از بین ۴۰۰ نفر، تعداد ۳۰ نفر از زنانی که در پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) نمره بالا را کسب کردند و حاضر به شرکت بودند به شیوه در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پس از آموزش مدل بر اساس پروتکل آموزشی تدوین شده توسط محقق (گروه گواه هیچ آموزشی دریافت نکردند)، پس‌آزمون گرفته شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و نرم افزار SPSS-22 تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد به دلیل اینکه سطح معناداری به دست آمده برای آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا اختلاف معناداری بین گرایش به طلاق زوجین در گروه آزمایش و گروه گواه وجود دارد و گرایش به طلاق زوجین ($F=۶/۴۲$ ، $P=۰/۰۱۷$) در گروه آزمایش کمتر از گرایش به طلاق زوجین در گروه گواه می‌باشد. **نتیجه‌گیری:** می‌توان نتیجه گرفت مدل علی همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زوجین اثر دارد. با آموزش همسرآزاری می‌توان رفتار همسران را نسبت زنان در جامعه تغییر و از بروز خشونت و همسرآزاری در روابط زناشویی جلوگیری نمود و در نهایت می‌توان از آسیب‌های بعدی ممانعت به عمل آورد.

کلیدواژه‌ها: گرایش به طلاق، همسرآزاری، زنان.

مقدمه

در سرتاسر جهان، افزایش نرخ طلاق^۱ در نیم قرن گذشته به این معنی است که طلاق زناشویی، تک فرزندی و همسری، ازدواج مجدد و روابط ناتنی به طور فزاینده‌ای بخشی از زندگی خانوادگی در سراسر جهان هستند (وانگ و شوفر، ۲۰۱۸). اگرچه تنوع فرهنگی قابل توجهی پیرامون نهاد ازدواج وجود دارد، طلاق عموماً بار معنایی منفی دارد (برود و گرین، ۱۹۸۳). اغلب نشان دهنده پیامدهای نامطلوب روابطی است که در شرایط بسیار مثبت شروع می‌شوند، و همانطور که تحقیقات نشان داده است، اغلب با نتایج کمتر مطلوب در آینده همراه است. بنابراین منطقی است که چنین ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که پیش‌بینی‌ها و نتایج طلاق را بررسی می‌کند. این ادبیات تحت سلطه مطالعاتی است که ریشه در تحقیقات و سنت‌های نظری حوزه‌های جامعه‌شناسی و مطالعات خانواده دارد.

جدای از تأثیرات طلاق بر رفاه فرزندان، شاید رایج‌ترین موضوع تحقیقات طلاق، پیش‌بینی‌ها و علل طلاق باشد. طلاق معمولاً تحت تأثیر عوامل خارجی و یا وضعیت‌های فردی (مانند عوامل اقتصادی، جوانی، سابقه ازدواج و غیره) و عوامل بیرونی (به عنوان مثال، خیانت، سوءاستفاده) است (اسکات و همکاران، ۲۰۱۳). کاوش در مورد علل گزارش شده انحلال ازدواج نسبت به کاوش‌های پیش‌بینی‌کننده‌ها ساده‌تر است، زیرا می‌توان آنها را به صورت گذشته‌نگر انجام داد و به مدل‌های پیش‌بینی پیچیده نیاز ندارد. علل طلاق در ایالات متحده را می‌توان به مسائل مربوط به رابطه (مانند جدا شدن از هم)، خیانت، مشکلات مالی و سوء مصرف مواد مخدر مرتبط دانست (هاوکینز و همکاران، ۲۰۱۲). با این حال، گزارش فراوانی طلاق، تنها حساسیت این عوامل را به ما می‌گوید (لالخند و مک کلاسی، ۲۰۰۸). به این معنی که فقط نشان می‌دهد چه نسبتی از طلاق‌ها شامل چنین عواملی می‌شود و به ویژگی یا احتمال وقوع طلاق با توجه به وجود یک عامل خطر خاص مربوط نمی‌شود. بنابراین، هنگام مقایسه تغییرات در طول زمان یا در بین جمعیت‌ها، ممکن است به دلیل تغییر در دفعات بروز این عوامل خطر و همچنین تأثیری که بر احتمال طلاق دارند، تفاوت‌ها ایجاد شود. ادبیاتی که گزارش‌های گذشته‌نگر علل را بررسی می‌کند، طیف وسیع‌تری از تنوع فرهنگی را شامل می‌شود که الگوهای مشترک انسانی و همچنین مشکلات فرهنگی خاص را که زوج‌ها در جمعیت‌های مختلف با آن مواجه هستند، برجسته می‌کند (باریکانی و همکاران، ۲۰۱۲). به عنوان مثال، در سه مطالعه بر روی جمعیت اکثریت مسلمان عرب و فارس، مشکلات روابط نیز یکی از رایج‌ترین مشکلات در هر سه مطالعه بود، در حالی که خیانت بسیار نادرتر بود (رحیم و همکاران، ۲۰۲۰). علاوه بر این، بر خلاف ایالات متحده، مشکلات با خانواده‌های وسیع با تعداد خانوار زیاد یکی از دلایل اصلی طلاق در هر جمعیت بود.

گذشته بر این عوامل، همواره خشونت خانگی و همسرآزاری به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر انحلال رابطه و گرایش به طلاق بیان گردیده است. زنان در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با اشکال مختلفی از خشونت روبرو هستند که در میان آنها همسرآزاری به عنوان یک مشکل مهم اجتماعی و بهداشت عمومی ظاهر شده است (پورنوروز و همکاران، ۲۰۱۹). سازمان بهداشت جهانی^۲ (WHO) همسرآزاری را

¹ Divorce

² World Health Organization

به عنوان «رفتاری در یک رابطه صمیمانه که باعث آسیب جسمی، جنسی یا روانی می‌شود، از جمله اعمال پرخاشگری فیزیکی، اجبار جنسی، آزار روانی و رفتارهای کنترلی» تعریف کرده است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۵). در میان اشکال مختلف خشونت علیه زنان، همسرآزاری رایج‌ترین نوع خشونت در سراسر جهان است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۲). زنان در ایران همچون دیگر کشورهای در حال توسعه با اشکال مختلفی از خشونت روبرو هستند که در میان آن‌ها همسرآزاری به عنوان یک مشکل مهم اجتماعی و بهداشتی عمومی ظاهر شده است. بدین صورت که میزان خشونت علیه زنان و همسرآزاری در مطالعات و شهرهای ایران گزارش شده است. میزان شیوع همسرآزاری علیه زنان در شهر اهواز برابر ۶۳/۸ گزارش شده است (نیکبخت نصرآبادی و همکاران، ۲۰۱۴). نریمانی و آقامحمدیان میزان همسرآزاری و خشونت علیه زنان در شهر اردبیل را برابر ۵۵/۵ درصد خشونت روانی، ۳۰ درصد خشونت اجتماعی و ۲۸ درصد خشونت فیزیکی نشان دادند (نریمانی و آقامحمدیان، ۱۳۸۴). پژوهشی در منطقه اسلام آباد زنجان انجام گرفت و نشان دادند که ۲۶ درصد از زنان تحت خشونت قرار گرفتند (همتی، ۱۳۸۴). با توجه به جدید بودن پژوهش، نتایج این پژوهش در ارتقای ادبیات پژوهش در زمینه گرایش به طلاق زنان ایرانی مؤثر واقع شود. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر بود:

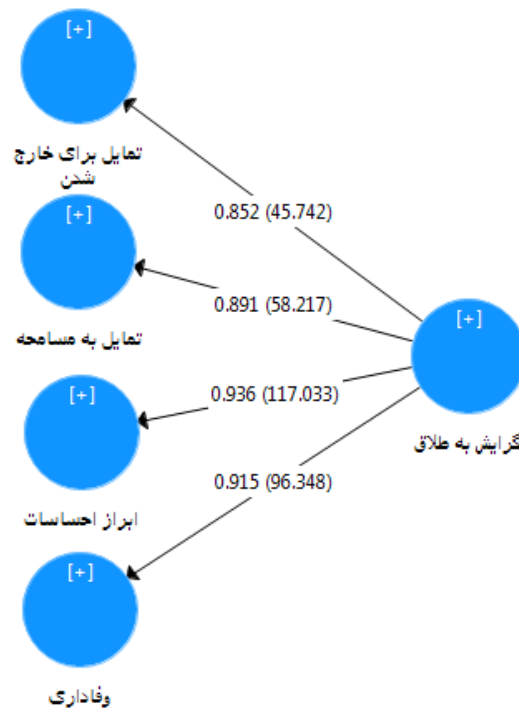
- ۱- آیا آموزش مدل همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر سنندج در مرحله پس‌آزمون مؤثر بود؟
- ۲- آیا آموزش مدل همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر سنندج در مرحله پیگیری پایدار بود؟

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه براساس اثربخشی مدل همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق جزء تحقیقات نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون و پیگیری با گروه گواه محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره طلاق، بهزیستی، اورژانس اجتماعی و مراکز مشاوره سطح شهر سنندج در سال ۱۴۰۰ بود. برای انتخاب نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۰۰ نفر از افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره جهت شرکت در مدل همسرآزاری انتخاب شدند. پس از بررسی آزمودنی‌هایی که شرایط ورود به مطالعه را دارا بودند انتخاب گردیدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل زنانی که دارای بیشترین نمره گرایش به طلاق بودند و معیارهای خروج از مطالعه شامل وجود بیماری‌های روانی، عقب‌ماندگی ذهنی، بیماری‌های خلقی و عدم پاسخگویی کامل، با دقت و تمایل کافی در حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها بودند. سپس به هرکدام از شرکت‌کنندگان پرسشنامه گرایش به طلاق زوجین تحویل داده شد. از بین ۴۰۰ نفر، تعداد ۳۰ نفر از زنانی که در پرسشنامه گرایش به طلاق نمره بالا را کسب کردند و حاضر به شرکت بودند به شیوه در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پس از آموزش مدل بر اساس پروتکل آموزشی تدوین شده (گروه گواه هیچ آموزشی دریافت نمی‌کنند)، پس‌آزمون گرفته شد. در نهایت پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، اثربخشی مدل و توزیع نرمال بودن داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 انجام شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه میل به طلاق: این پرسشنامه یک ابزار ۲۸ سؤالی است که برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می‌رود، که دارای ۴ بُعد است و هر بعد ۷ سؤال دارد، بعد تمایل برای خارج شدن (متمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه، بعد ابراز احساسات و بعد وفاداری است. هر آیتم به وسیله مقیاس درجه بندی ۷ تایی نمره گذاری می‌شود (۱= هرگز، ۲= بندرت، ۳= خیلی کم، ۴= کم، ۵= زیاد، ۶= خیلی زیاد، ۷= همیشه) بنابراین نمره‌های این پرسشنامه با جمعه نمرات ماده‌ها به دست می‌آید، به عبارت دیگر کمینه و بیشینه نمره‌های اندازه‌گیری تمایل یا عدم تمایل به طلاق می‌باشد، که نمره بالا حاکی از میزان بالای تمایل به طلاق در آزمودنی‌ها است. این پرسشنامه توسط داوودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۸۷) در ایران هنجاریابی شد و بر روی ۴۰ زوج اجرا شد که پایایی آن با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۸۸ (۸۹ برای زنان و ۸۷ برای مردان) بدست آمده و میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تمایل برای خارج شدن ۸۹، ابراز احساسات ۹۰، وفاداری ۸۶ و مسامحه ۷۲ درصد بدست آمده است. در بخش تحلیل عاملی تاییدی نتایج پژوهش نشان داد که مولفه‌های پژوهش دارای بارعاملی و ضرایب معناداری مطلوب می‌باشند. همچنین شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد مدل ارائه شده برازش لازم را دارد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل تحلیل عاملی متغیر گرایش به طلاق

جدول ۱. بارهای عاملی مولفه‌های پرسشنامه گرایش به طلاق

متغیر آشکار	بارعاملی	آماره t	سطح معناداری	وضعیت
گرایش	۰/۸۵۲	۵۴/۷۴۲	۰/۰۰۱	مطلوب
تمایل برای خارج شدن				

مطلوب	۰/۰۰۱	۵۸/۲۱۷	۰/۸۹۱	تمایل به مسامحه
مطلوب	۰/۰۰۱	۱۱۷/۰۳۳	۰/۹۳۶	ابراز احساسات
مطلوب	۰/۰۰۱	۹۶/۳۴۸	۰/۹۱۵	وفاداری

با توجه به شکل ۱ نتایج نشان داد که تمامی ضرایب معناداری t از $۱/۹۶$ بیشتر هستند که این امر معنادار بودن تمامی سوالات و روابط میان متغیرها را در سطح اطمینان $۰/۹۵$ تایید می‌شود. همچنین جدول ۱ بارهای عاملی (۸) را برای هر یک از معرف‌ها (متغیرهای آشکار) نشان می‌دهد. بنابر نتایج بدست آمده مقدار بارهای عاملی مولفه‌ها ($۰/۸۵۲ - ۰/۹۳۶$) از نقطه برش $۰/۳$ و مقدار آماره تی آن‌ها نیز از نقطه برش $۱/۹۶$ بزرگتر بود ($P < ۰/۰۵$). به این دلیل که ضرایب معناداری از عدد مبنای ۱.۹۶ بالاتر است مدل در هر دو سطح اعتبار لازم را دارد و ادامه تفسیر نتایج آن نیاز به هیچگونه تغییری در ساختاری مدل ندارد.

جدول ۲. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل

متغیر	شاخص	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی	شاخص اشتراک	شاخص نیکویی برازش
تمایل برای خارج شدن	۰/۵۷۰	۰/۹۰۲	۰/۴۴۲	۰/۶۰۶	
تمایل به مسامحه	۰/۶۴۵	۰/۹۲۷	۰/۵۰۸		
ابراز احساسات	۰/۶۲۴	۰/۹۲۱	۰/۴۸۴		
وفاداری	۰/۵۵۹	۰/۸۹۸	۰/۴۰۹		

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در جدول ۲ نشان داده شده است که با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند لذا مدل تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است. با توجه به شاخص نیکویی برازش که مقدار آن $۰/۶۰۶$ می‌باشد برازش مدل در حد بسیار مطلوب می‌باشد.

روش اجرا

برای اجرای پژوهش پس از بیان توضیحات لازم و ضروری در مورد اهداف پژوهش، به هرکدام از شرکت‌کنندگان در مورد محرمانه بودن اطلاعات آن‌ها اطمینان کافی داده شد و سپس از آن‌ها رضایت‌نامه جهت اجرای پژوهش دریافت گردید. به افراد شرکت‌کننده در پژوهش اطمینان داده شد که اطلاعات کسب‌شده از آن‌ها محفوظ خواهند ماند. فرم رضایت آگاهانه به تمامی افراد داده شد، اعضا این فرم را امضا کردند و اثرانگشت خود را نیز در زیر صفحه فرم رضایت ثبت کردند. جهت اجرای پژوهش، ابتدا به هرکدام از شرکت‌کنندگان برگه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تحویل داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا آن را تکمیل نمایند. پس از انتخاب افراد نمونه و تشکیل دو گروه ۱۵ نفری آزمایشی و گواه به صورت تصادفی، از هر دو گروه پیش‌آزمون گرفته شد. برنامه آموزش جنبه‌های تاریک شخصیت بر اساس ریکرد شناختی، ناگویی خلقی بر اساس نظریه فرهنگی-اجتماعی، پریشانی روانشناختی بر اساس رویکرد شناختی، طی ۸ هفته (هر هفته یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای برای هر متغیر) در مورد گروه آزمایش اجرا شد، ولی گروه گواه این آموزش‌ها

و مهارت‌ها را دریافت نکردند. علاوه بر این یک مجموعه آموزشی برای هر کدام از متغیرهای مستقل (جنبه‌های تاریک شخصیت، ناگویی خلقی و پریشانی روانشناختی) طراحی و در اختیار گروه آزمایش قرار گرفت. در پایان جلسه آخر از هر دو گروه پس از آزمون گرفته شد. دو ماه پس از اتمام دوره پس‌آزمون، پیگیری نیز اجرا گردید. برنامه آموزشی با استفاده از منابع گوناگون به شرح جدول ۳ طراحی، تهیه و اجرا شد.

جدول ۳. پروتکل مستخرج از مدل همسرآزاری بر کاهش طلاق

جلسه	اهداف	محتوا
اول	شناخت و سنجش مراجعہ کنندگان	برقراری ارتباط و ارزیابی اولیه، معرفی اعضا، بیان قواعد گروه (از جمله رازداری، احترام، گوش دادن و ..)، شناخت مشکل فعلی مراجعہ کنندگان، سنجش مراجعین برای همسرآزاری با تمرکز بر مشکل فعلی زندگی
دوم	۱. جامعه ستیزی ۲. خودشیفتگی ۳. ماکیاولیسم	۱. مرور آموزش‌های جلسه قبل ۲. آموزش اینکه چگونه مانع از اختلال در عملکرد بین فردی و عاطفی همراه با انحراف رفتاری مقاوم و پایدار شوند. ۳. آموزش اینکه فرد دچار خودشیفتگی و توجه بیش از حد نشود ۴. آموزش اینکه از دیگران جهت بهره‌برداری از منافع خود استفاده نکنیم
سوم	۱. پریشانی روانشناختی	۱. مرور آموزش‌های جلسه قبل ۲. آموزش جلوگیری از ایجاد احساسات ناخوشایند مانند غم و اندوه به منظور افزایش عملکرد فرد
چهارم	۱. دشواری در تشخیص احساسات ۲. دشواری در توصیف احساسات ۳. تفکر با جهت گیری خارجی	۱. مرور آموزش‌های جلسه قبل ۲. آموزش توانایی آزمودنی در شناسایی احساساتش و تمایز میان احساسات با حس‌های بدنی ۳. آموزش توانایی شخص در بیان احساسات و سنجش اینکه آیا قادر است احساسات خودش را در قالب لغات بیان کند یا خیر؟ ۴. آموزش میزان درون‌نگری و عمیق شدن فرد در احساسات درونی خودش و دیگران
پنجم	۱. جامعه ستیزی ۲. پریشانی روانشناختی ۳. دشواری در تشخیص احساسات	۱. مرور آموزش‌های جلسه قبل ۲. ادامه مطالب مربوط به جامعه ستیزی و آموزش ایجاد روابط مثبت با افراد جامعه و عدم بروز رفتارهای ناهنجار افزایش عملکرد فرد تحت شرایط سخت که مانع از جامعه ستیزی فرد گردد. ۳. ادامه آموزش پریشانی روانشناختی و اینکه چگونه فرد تحت شرایط پرتنش و فشار و ناراحتی روانی بتواند این شرایط را متترل نماید و مانع از بروز احساسات منفی در فرد گردد. ۴. ادامه آموزش مطالب مرتبط با دشواری در تشخیص احساسات که فرد بتواند احساسات خود را بیان نماید و حس‌های بدنی خود را بتواند تشخیص و تمیز دهد.
ششم	۱. خودشیفتگی ۳. دشواری در توصیف	۱. مرور آموزش‌های جلسه قبل ۲. ادامه آموزش خودشیفتگی و فرد در روابط اجتماعی خود را برتر از دیگران نبیند. ۳. ادامه آموزش دشواری در توصیف احساسات و فرد بتواند احساسات خود را نسبت افراد

احساسات	متقابل خود به صورت مثبت و واقع‌بینانه بیان نماید.
هفتم	۱. ماکیاولیسم ۲. تفکر با جهت گیری خارجی
	۱. مرور آموزش‌های جلسه قبل ۲. ادامه آموزش ماکیاولیسم و اینکه فرد به این نتیجه برسد که می‌تواند با تلاش و کوشش خود به اهداف مدنظرش برسد و از افراد جامعه به عنوان پلی جهت نیل به منافع خود استفاده نماید. ۴. ادامه آموزش تفکر با جهت گیری خارجی و تعمق درباره احساسات درونی خود نسبت به جامعه و افرادی که با آنها رابطه دارد.
هشتم	جمع‌بندی نهایی جمع‌بندی و چکیده کردن جلسه، پرسش و پاسخ و اجرای پس‌آزمون

ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بود: ۱- کلیه شرکت‌کنندگان به صورت شفاهی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت می‌نمایند. ۲- این اطمینان به آزمودنی‌ها داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. ۳- به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد. ۴- برای اطمینان از روند کار، کلیه پرسش‌نامه‌ها توسط خود پژوهش‌گر اجرا شد. به منظور تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها در بخش آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی برای بررسی فرضیه‌ها از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر توسط نرم افزار SPSS.22 استفاده شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۳۰ نفر از زنان همسرآزار دیده شهر سنج دارای مراجعه کننده به مراکز مشاوره و دارای نمره همسرآزاری زیاد با حداقل سن در گروه‌های گواه و آزمایش به ترتیب ۲۲ و ۲۴ سال، حداکثر سن به ترتیب ۴۸ و ۴۵ سال و میانگین سنی (انحراف استاندارد \pm میانگین) به ترتیب $32 \pm 6/88$ و $35 \pm 5/66$ سال مورد بررسی قرار گرفتند. از نمونه‌های تحت بررسی در گروه‌های گواه و آزمایش به ترتیب ۳ و ۵ نفر (۲۰ و ۳۳/۳ درصد) نوع ازدواج با انتخاب خانواده و موافق با نظر من، ۶ و ۶ نفر (۴۰ و ۴۰ درصد) نوع ازدواج با انتخاب خودم و همراهی خانواده، ۶ و ۳ نفر (۴۰ و ۲۰ درصد) نوع ازدواج با انتخاب خودم و مخالفت خانواده و ۰ و ۱ نفر (۰ و ۶/۷ درصد) نوع ازدواج اجباری داشتند. تحصیلات در در گروه‌های گواه و آزمایش به ترتیب ۱ و ۳ نفر (۶/۷ و ۲۰ درصد) دارای دیپلم و پایین تر، ۲ و ۱ نفر (۱۳/۳ و ۶/۷ درصد) کاردانی، ۸ و ۶ نفر (۵۳/۳ و ۴۰ درصد) کارشناسی، ۴ و ۵ نفر (۲۶/۷ و ۳۳/۳ درصد) کارشناسی ارشد داشتند. شغل نمونه مورد بررسی در گروه‌های گواه و آزمایش به ترتیب ۳ و ۴ نفر (۲۰ و ۲۶/۷ درصد) خانه دار، ۱ و ۲ نفر (۶/۷ و ۱۳/۳ درصد) کارمند، ۸ و ۷ نفر (۵۳/۳ و ۴۶/۷ درصد) دانشجو، ۳ و ۲ نفر (۲۰ و ۱۳/۳ درصد) شغل آزاد را دارا بودند. جهت بررسی اثربخشی مدل دو بخش توصیفی و آزمون فرضیه تحقیق ارائه شده است. بر این اساس ابتدا آمار توصیفی متغیر گرایش به طلاق زوجین ارائه و در ادامه فرضیه تحقیق بررسی شده است. جدول ۴ آماره‌های توصیفی متغیر گرایش به طلاق زوجین به تفکیک گروه و مرحله آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴. آماره‌های توصیفی متغیر گرایش به طلاق زوجین به تفکیک گروه و مرحله آزمون

متغیر	گروه	مرحله آزمون	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
-------	------	-------------	-------	---------	------------------

۳۵/۹۷۷	۸۳/۵۳	۱۵	پیش آزمون	آزمایش	گرایش به طلاق زوجین
۲۵/۹۷۸	۶۵/۸۰	۱۵	پس آزمون		
۲۳/۶۷۴	۶۷/۴۸	۱۵	پیگیری		
۳۶/۳۶۱	۷۷/۶۰	۱۵	پیش آزمون	گواه	
۳۵/۲۴۱	۷۵/۷۹	۱۵	پس آزمون		
۳۵/۲۵۴	۷۶/۵۸	۱۵	پیگیری		

جدول ۴ مقادیر میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را در پیش آزمون و پس آزمون به تفکیک گروه آزمایش و گواه نشان می‌دهد. همانطور که نتایج نشان می‌دهد میانگین متغیر گرایش به طلاق زوجین در مرحله پس آزمون و پیگیری گروه آزمایش کاهش یافته است اما میانگین در پیش آزمون و پس آزمون گروه گواه تفاوت زیادی ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون توزیع طبیعی نمره‌ها و آزمون همگنی واریانس‌ها

متغیر	گروه	کولموگروف-اسمیرنف	آزمون لوین	موخلی
		درجه	درجه	موخلی
		آماره	آماره	آماره
		معناداری	معناداری	معناداری
		آزادی	آزادی	آزادی
گرایش	آزمایش	۰/۲۶	۲۸	۰/۸۷
به	گواه	۰/۲۱	۲/۹۴	۰/۱۹
طلاق		۰/۸۴	۳/۱۱	

نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر چند متغیری در بین گروه‌های مورد مطالعه در متغیرهای رفتارهای درونی‌سازی و برونی‌سازی شده نشان داد اثر بین آزمودنی (گروه) معنادار می‌باشد و این اثر بدین معنی است که حداقل یکی از گروه‌ها با یکدیگر در حداقل یکی از متغیرهای رفتارهای درونی‌سازی و برونی‌سازی شده تفاوت دارند. اثر درون آزمودنی (زمان) برای متغیرهای پژوهش نیز معنادار بود که بدین معنی است که در طی زمان از پیش آزمون تا پیگیری حداقل در یکی از متغیرهای میانگین با تغییر همراه بوده است.

جدول ۶. تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای مقایسه پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری بر کاهش گرایش به طلاق زوجین در گروه‌های آزمایش و گواه

مقیاس	منبع اثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	مجذورات
گرایش به	زمان	۲۴۳۷۹/۰۸	۲	۱۲۱۸۹/۵۴	۱۲۱/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۹۰
طلاق	زمان*گروه	۹/۸۱	۴	۲/۴۵	۱۹/۵۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶
	گروه	۶۴۴/۸۱	۱	۶۴۴/۸۱	۶/۴۲	۰/۰۱۷	۰/۱۹

با توجه به نتایج جدول ۶ تفاوت معناداری بین گروه‌های پژوهش از لحاظ نمره گرایش به طلاق زوجین وجود داشت ($P=0/017$). ضریب مجذورات جزئی ایتا نشان می‌دهد که ۱۹/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (پس آزمون) به وسیله متغیر مستقل تبیین می‌شود. نتایج اثر متغیر همپراش نیز نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین متغیر همپراش (پیش آزمون) و متغیر وابسته (پس آزمون) وجود دارد ($0/001$) و ۸۹/۹ درصد

از واریانس متغیر وابسته (پس آزمون) به وسیله متغیر همپراش (پیش آزمون) تبیین می‌شود. نتایج نشان داد به دلیل اینکه سطح معناداری به دست آمده برای آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا اختلاف معناداری بین گرایش به طلاق زوجین در گروه آزمایش و گروه گواه وجود دارد و گرایش به طلاق زوجین در گروه آزمایش کمتر از گرایش به طلاق زوجین در گروه گواه می‌باشد لذا می‌توان نتیجه گرفت مدل علی همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زوجین اثر دارد. همچنین برای مقایسه زوجی گروه‌ها نیز از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد.

جدول ۷. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه گرایش به طلاق

متغیر	گروه	مراحل	پس آزمون	پیگیری
گرایش به طلاق	آزمایش	پیش آزمون	-۱۲/۲۰*	-۱۴/۷۷*
		پس آزمون	-	۲/۴۲*
	گروه گواه	پیش آزمون	۱/۸۱	۱/۰۲
		پس آزمون	-	-۰/۷۹

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که نمره متغیر گرایش به طلاق در گروه آزمایش و در مرحله پس‌آزمون، پایین‌تر از گروه گواه است. به عبارت دیگر گروه آزمایش اثربخشی بالا بر روی کاهش گرایش به طلاق داشته است. همچنین این نتایج نشان می‌دهند که گرایش به طلاق در مرحله پیگیری در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه کاهش معنی‌داری داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

اثربخشی مدل همسرآزاری براساس جنبه‌های تاریک شخصیت و ناگویی خلقی با میانجی‌گری پریشانی روانشناختی و اثربخشی مدل و برنامه آموزشی جنبه‌های تاریک شخصیت، ناگویی خلقی و پریشانی روانشناختی بر کاهش گرایش به طلاق زوجین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که مدل همسرآزاری از برازش کافی برخوردار بوده و شاخص‌های برازش مدل همگی در حد مطلوب می‌باشند. همچنین نتایج ارائه شده نشان می‌دهد مدل همسرآزاری و مولفه‌های آن شامل جنبه‌های تاریک شخصیت، ناگویی خلقی و پریشانی روانشناختی اثر مثبت، مستقیم و معناداری بر کاهش گرایش به طلاق زوجین دارد. به دلیل اینکه اختلاف معناداری بین گرایش به طلاق زوجین در گروه آزمایش و گروه گواه وجود دارد و گرایش به طلاق زوجین در گروه آزمایش کمتر از گرایش به طلاق زوجین در گروه گواه می‌باشد لذا می‌توان نتیجه گرفت مدل علی همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زوجین اثر دارد، یعنی برنامه مبتنی بر آموزش تاثیر مثبتی بر روی کاهش گرایش به طلاق زوجین داشته است و بنابراین مدل همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زوجین اثربخش است. این نتایج با پژوهش‌های فاتحی دهقانی و محمدی نظری (۱۳۹۰) و اعلمی و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد.

با استفاده از خشونت، نه تنها انتظارات زوجین از یکدیگر بر آورده نمی‌شود، بلکه برای حل مشکل به راه حل مناسب و معقولی متوسل نمی‌شوند و با اعمال خشونت تنها بر مشکلات بین زوجین افزوده می‌شود و متاسفانه مشاهدات تجربی و شواهد ظاهری حاکی از وجود گسترده استفاده از خشونت در بین خانواده‌های ایرانی می‌باشد. همان‌طور که در بخش اول پژوهش بیان گردید، متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش شامل جنبه‌های تاریک شخصیت، ناگویی خلقی و پریشانی روانشناختی تاثیر مستقیم و مثبتی بر میزان

همسرآزاری زوجین دارد، از این رو تاثیر برنامه مبتنی بر آموزش مدل همسرآزاری بر کاهش گرایش به طلاق زوجین مورد آزمون قرار گرفت و بیان گردید که میانگین متغیر گرایش به طلاق زوجین در مرحله پس آزمون گروه آزمایش کاهش یافته است اما میانگین در پیش آزمون و پس آزمون گروه گواه تفاوت معنی داری با همدیگر ندارند. پس می‌توان استنباط نمود که می‌توان با آموزش، شناخت و ارائه راهکارهای موثر به زوجین جهت کنترل همسرآزاری، گرایش به طلاق را در آن‌ها به طور معنی داری کاهش داد. بنابراین با افزایش افسردگی و اضطراب در زوجین ممکن است سبب افزایش علائم و نشانه‌های افزایش خشونت گردد. با این وجود، پریشانی روانشناختی یک وضعیت روانی منفی می‌باشد که در نتیجه شکست فرایندهای انطباقی و مقابله‌ای برای حفظ تعادل روانشناختی و فیزیولوژیک در ارگانسیم ایجاد می‌شود. شرایطی که در اثر ناگویی خلقی ایجاد می‌گردد، اغلب یک منبع نگرانی هیجانی برای زوجین می‌باشد و بنابراین این زوجین از لحاظ هیجانی و روانشناختی احتمال بیشتری وجود دارد که افسردگی، اضطراب، کاهش عزت نفس و افکار خودکشی را تجربه کنند و از این رو شرایط ایجاد خشونت، آزار واذیت را بوجود آورند. از این رو ناگویی خلقی در بروز علائم پریشانی روانشناختی و افسردگی موثر است. بنابراین می‌توان گفت نحوه استفاده از ناگویی خلقی از عوامل تاثیرگذار در پریشانی روانشناختی است.

پژوهش‌های مبتنی بر طرح سوال و پرسشنامه همواره دارای محدودیت‌هایی می‌باشد، بنابراین نتایج این پژوهش مانند هر پژوهشی از این دست محدودیت‌هایی داشته باشد که جهت انجام این پژوهش با محدودیت‌های زیر روبه رو شدیم: ابزار اندازه‌گیری از جمله محدودیت‌های مطالعه انجام شده بود. مقیاس‌های خودگزارشی امکان سوگیری را فراهم می‌نمایند. در این مطالعه جهت مقایسه و برآورد متغیرهای مورد مطالعه فقط از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. از آنجایی محل انجام این مطالعه تنها در استان کردستان بوده است و مطالعه تنها در محلی با فرهنگی خاص انجام گردیده است، از این رو لازم است به صورت محتاطانه جهت تعمیم دادن نتایج این مطالعه به دیگر شرایط عمل گردد. کلیه جلسات آموزشی جهت جمع آوری داده‌ها و اطلاعات پژوهشی مور نیاز پژوهش، شخصا توسط محقق اداره گردید، در این صورت ممکن است در جمع آوری داده‌ها سوگیری بوجود آمده باشد و بنابراین روایی درونی پژوهش تحت تاثیر قرار گرفته باشد. جهت انجام این پژوهش از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد، و از آنجایی که جامعه آماری مشخص شده بود بنابراین نتوانستیم از نمونه‌گیری تصادفی استفاده نمودیم و از این طریق بایستی نتایج با این فاکتور و نوع نمونه‌گیری مورد استفاده قرار گیرد. در این پژوهش تنها آموزش‌های عمومی ارائه شده مورد ارزیابی قرار گرفت و آموزش‌ها، اطلاعات و مهارت‌های قبلی زوجین مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار نگرفتند. بنابراین ممکن است آموزش‌ها و مهارت قبلی نمونه‌های مورد آمایش در نتایج این پژوهش تاثیرگذار بوده باشد. با توجه به اینکه این پژوهش در زمان پاندمی کرونا انجام شده است، با توجه به تعداد زیاد پرسشنامه‌ها، تعداد بالای متغیرها و تعداد زیاد سوالات ممکن است پاسخ‌دهندگان با نهایت دقت به سوالات جواب نداده باشند. چون اهداف پژوهش تدوین مدل همسرآزاری بود، بعضی از زنان در طول پژوهش با توجه به اینکه رنجیده خاطر می‌گردیدند، همکاری آن‌ها کمتر بود و به بعضی از زوجین که وقت کافی برای پر نمودن پرسشنامه نداشتند، اجازه داده می‌شد که پرسشنامه را در منزل پر نمایند و این ممکن است که با نهایت دقت جواب نداده باشند.

پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی نقش سایر عوامل مؤثر بر همسرآزاری (رضایت جنسی، انتظارات زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و ...) نیز کنترل و مورد ارزیابی قرار گیرد. مطالعه حاضر از نوع همبستگی بوده و بدون اعمال هیچ متغیر مستقلی به روابط مابین متغیرها می‌پردازد، بنابراین با بررسی سایر متغیرهای موثر و تأثیر آن‌ها بر همسرآزاری بتوان با اطمینان بیشتری نتایج به دست آمده را ارزیابی نمود. جهت تأیید صحت یا عدم صحت نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که این پژوهش بر روی سایر جوامع و مشاغل مختلف انجام گردد تا بتوان صحت یا عدم صحت نتایج به دست آمده را مورد تأیید قرار داد. استفاده از طرح‌های طولی و بلندمدت به جای استفاده از طرح مقطعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، می‌تواند صحت تأثیر متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک را با دقت بیشتری مورد تأیید قرار داد. توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش که نشان می‌دهد متغیرهای صفات تاریک شخصیت، ناگویی خلقی و پریشانی روانشناختی بر همسرآزاری تأثیر معناداری دارند و همچنین با توجه به افزایش آمار طلاق می‌توان با آموزش زوجین در زمینه ویژگی‌های شخصیتی، ناگویی خلقی و پریشانی روانشناختی و کاهش همسرآزاری به ثبات و کیفیت زندگی زناشویی آنها کمک شایانی نمود. با برگزاری کارگاه‌ها و جلسات مرتبط با همسرآزاری، راهکارهای مقابله با آن در زوجین و جامعه آموزش داده شود و از این طریق گرایش به طلاق در اثر کاهش همسرآزاری در جامعه تنزل پیدا نماید. با توجه به یافته‌های این پژوهش که متغیرهای مورد بررسی قادر به پیش‌بینی همسرآزاری به صورت معنادار هستند. پیشنهاد می‌شود کارگاه‌هایی با موضوع متغیرهای مورد بررسی برای زوجین تازه ازدواج نموده و قبل از ازدواج برگزار گردد تا زوجین بتوانند علانم و فاکتورهای تاثیرگذار بر همسرآزاری را شناسایی و اصلاح نمایند و در ادامه زندگی زناشویی از بروز همسرآزاری و در نهایت گرایش به طلاق و جدایی جلوگیری گردد. جهت کاهش گرایش به طلاق، یافته‌های این پژوهش را می‌توان در مراکز مشاوره ازدواج و خدمات روانشناسی به زوجین به کار گرفت، تا با آموزش متغیرهای مورد بررسی میزان همسرآزاری و به دنبال آن آمار طلاق را کاهش داد. استفاده از روش‌های نوین آموزشی و الکترونیکی جهت آموزش و مشاوره به زنان و زوجینی که تحت همسرآزاری قرار گرفته‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر حاصل اقتباس از رساله دکتری نویسنده اول بود که توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به تصویب رسیده است. نویسنده این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش داشت.

تشکر و قدردانی

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نمایند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- نریمانی، م.، و آقامحمدیان شعرباف، ح. (۱۳۸۴). بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل. اصول بهداشت روانی. ۷ (۲۸-۲۷): ۱۰۷-۱۱۳.
- همتی، رضا. (۱۳۸۴). بررسی فراوانی همسر آزاری و عوامل موثر بر آن در منطقه اسلام آباد زنجان، سال ۱۳۸۲. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان. ۱۳ (۵۰): ۳۶-۴۳.
- فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم، و نظری، علی محمد. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. مطالعات امنیت اجتماعی جدید. ۱۳ (۲۵): ۱۳-۵۴.
- اعلمی، مهدی، تیموری، سعید، آهی، قاسم، و بیاضی، محمدحسین. (۱۳۹۹). اثربخشی رویکرد تلفیقی طرح‌واره درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش تعارضات زناشویی و میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق. تحقیقات علوم رفتاری. ۱۸ (۱): ۱۴۱-۱۳۲.

References

- Barikani, A., Ebrahim, S. M., & Navid, M. (2012). The cause of divorce among men and women referred to marriage and legal office in Qazvin, Iran. *Global journal of health science*, 4(5), 184. <https://dx.doi.org/10.5539%2Fgjhs.v4n5p184>
- Broude, G. J., & Greene, S. J. (1983). Cross-cultural codes on husband-wife relationships. *Ethnology*, 22(3), 263-280. <https://doi.org/10.2307/3773467>
- Hawkins, A. J., Willoughby, B. J., & Doherty, W. J. (2012). Reasons for divorce and openness to marital reconciliation. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53(6), 453-463. <https://doi.org/10.1080/10502556.2012.682898>
- HI Rehim, M., KS Alshamsi, W., & Kaba, A. (2020). Perceptions of divorcees towards factors leading to divorce in UAE. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(8), 582-592. <https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1824205>
- Lalkhen, A. G., & McCluskey, A. (2008). Clinical tests: sensitivity and specificity. *Continuing education in anaesthesia critical care & pain*, 8(6), 221-223. <https://doi.org/10.1093/bjaceaccp/mkn041>
- Nikbakht Nasrabadi, A., Hossein Abbasi, N., & Mehrdad, N. (2014). The prevalence of violence against Iranian women and its related factors. *Global journal of health science*, 7(3), 37-45. <https://dx.doi.org/10.5539%2Fgjhs.v7n3p37>
- Poornowrooz, N., Jamali, S., Haghbeen, M., Javadpour, S., Sharifi, N., & Mosallanezhad, Z. (2019). The Comparison of Violence and Sexual Function between Fertile and Infertile Women: A Study from Iran. *Journal of Clinical & Diagnostic Research*, 13(1). <http://dx.doi.org/10.7860/JCDR/2019/37993.12516>
- Scott, S. B., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Allen, E. S., & Markman, H. J. (2013). Reasons for divorce and recollections of premarital intervention: Implications for improving relationship education. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 2(2), 131. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0032025>
- Wang, C. T. L., & Schofer, E. (2018). Coming out of the penumbras: World culture and cross-national variation in divorce rates. *Social Forces*, 97(2), 675-704. <https://doi.org/10.1093/sf/soy070>
- World Health Organization. (2012). Understanding and addressing violence against women: Intimate partner violence (No. WHO/RHR/12.36). World Health Organization. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/77432>

World Health Organization. (2015). School of Hygiene and Tropical Medicine. Preventing intimate partner and sexual violence against women: Taking action and generating evidence. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/44350>

پرسشنامه گرایش به طلاق

شماره سؤال	گویه	۹ بسیار	۸ زیاد	۷ متوسط	۶ کم	۵ زیاد	۴ خیلی زیاد	همیشه
۱	زمانی که از دست همسرم ناراحت می شوم به جدایی فکر می کنم.							
۲	وقتی که از دست همسرم عصبانی هستم، در مورد طلاق با او صحبت می کنم							
۳	وقتی در ارتباطمان با مشکلات جدی مواجه می شویم، من اقدام به پایان دادن به رابطه می کنم.							
۴	زمانی که از همسرم خشمگین می شوم، درباره پایان دادن به رابطه مان فکر می کنم.							
۵	وقتی ما مشکلاتی داریم، من در مورد پایان دادن به رابطه مان بحث می کنم.							
۶	وقتی رابطه من و همسرم خوب نباشد، کارهایی انجام می دهم که همسرم را از من دور می کند.							
۷	زمانی که از رابطه مان ناراضی هستم، به آشنایی با افراد دیگر فکر می کنم.							
۸	هنگامی که همسرم چیزی می گوید با کاری می کند که من دوست ندارم، من با او در مورد آنچه مرا ناراحت کرده صحبت می کنم.							
۹	هنگامی که من و همسرم مشکلاتی داریم، من در مورد آن با او صحبت می کنم.							
۱۰	هر موقع از دست همسرم ناراحت می شوم، در مورد آنچه مرا ناراحت کرده با او صحبت می کنم.							
۱۱	زمانی که رابطه من و همسرم خوب نیست من برای حل مشکلات تغییر دادن چیزهایی را در رابطه پیشنهاد می کنم.							
۱۲	زمانی که من و همسرم از هم عصبانی هستیم، من راه حلی براساس سازش را پیشنهاد می دهم.							
۱۳	هنگامی که ما جروبجوت داشته باشیم، من سعی می کنم فوراً مسائل را با همسرم حل کنم.							
۱۴	هنگامی که ما مشکلات جدی در روابطمان داریم، من سعی می کنم از دیگران مشورت بگیرم (دوستان، والدین، مشاور، ...).							
۱۵	وقتی من در مورد چیزی در رابطه مان ناراحت هستم، کمی قبل از گفتن هر چیزی صبر می کنم برای اینکه ببینم همه چیز خود به خود بهبود می یابد یا نه.							
۱۶	هنگامی که ما مشکلاتی در رابطه مان داریم من صبورانه برای بهبود شرایط منتظر می مانم.							

-
- ۱۷ وقتی همسر مرا ناراحت می‌کند، هیچ حرفی نمی‌زنم و به راحتی او را می‌بخشم.
- ۱۸ زمانی که من و همسر از دست یکدیگر عصبانی هستیم، قبل از اینکه اقدامی انجام دهم، صبر می‌کنم تا اوضاع آرام شود.
- ۱۹ زمانی که چیزهایی در مورد همسر وجود دارد که من دوست ندارم، کوتاهی‌ها و نقطه ضعف‌های او را می‌پذیرم و تلاشی برای تغییر دادن او نمی‌کنم.
- ۲۰ هنگامی که همسر بی‌ملاحظه است، من فرصت فکر کردن به او می‌دهم و او را می‌بخشم.
- ۲۱ زمانی که با هم مشکلاتی داریم، مهم نیست چه قدر اوضاع بد باشد، من به همسر وفادارم.
- ۲۲ هنگامی که من از همسر ناراحت هستم، به جای مقابله با موضوع قهر می‌کنم.
- ۲۳ وقتی که من از همسر ناراحت هستم، برای مدتی به او بی‌توجهی می‌کنم.
- ۲۴ هنگامی که از برخی کارهای همسر واقعاً ناراحت هستم، او را به خاطر چیزهایی که به مشکل واقعی نامربوط هستند، سرزنش می‌کنم.
- ۲۵ زمانی که من و همسر مشکلاتی با هم داریم، از صحبت کردن با او در مورد آن مشکلات خودداری می‌کنم.
- ۲۶ زمانی که من از همسر عصبانی هستم، زمان کمتری را با او صرف می‌کنم (برای مثال، زمان بیشتری را با دوستانم می‌گذرانم، تماشای بیشتر تلویزیون، ساعات کار طولانی‌تر و غیره).
- ۲۷ زمانی که در رابطه مان مشکل داریم، من تمام چیزهای مربوط به مشکل را نادیده می‌گیرم و فراموش می‌کنم.
- ۲۸ وقتی که من واقعا عصبانی هستم، من با همسر بدرفتاری می‌کنم (مثلا با ناسزا و حرف‌های زشت یا بی‌توجهی کردن به او).
-

The effectiveness of spousal abuse model training on reducing the tendency to divorce women

Shaho Fatehi¹, Omid Moradi^{2*}, Fayeeg Yousefi³

Abstract

Aim: The aim of this study was the effectiveness of teaching the model of spousal abuse on reducing the tendency to divorce women referring to counseling centers in Sanandaj. **Methods:** The method of the present study is a quasi-experimental research of pre-test-post-test and follow-up with a control group. The statistical population of the study included all women referring to divorce counseling centers, welfare, social emergency and counseling centers in Sanandaj in 2021, which were selected using the available sampling method of 400 people. Out of 400 people, 30 women who received a high score in the Roosevelt, Johnson and Moro (1986) Divorce Tendency Questionnaire and were willing to participate were selected by available means and divided into two experimental groups (15 people) and a control. (15 people) were included. After training the model based on the training protocol developed by the researcher (the control group did not receive any training), the post-test was performed. Data were analyzed using repeated measures analysis of variance and SPSS-22 software. **Results:** The results showed that because the level of significance obtained for the analysis of variance with repeated measures is less than 0.05, so there is a significant difference between the tendency to divorce couples in the experimental group and the control group and the tendency Divorce of couples ($F = 6.42, P = 0.017$) in the experimental group is less than the tendency of divorced couples in the control group. **Conclusion:** It can be concluded that the causal model of spousal abuse has an effect on reducing the tendency of couples to divorce. By teaching spousal abuse, the behavior of spouses towards women in society can be changed and the occurrence of violence and spousal abuse in marital relationships can be prevented, and finally, further harms can be prevented.

Keywords: Tendency to divorce, Spousal abuse, Women.

1. PhD student, Department of Family Counseling, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

2. *Corresponding author: Assistant Professor, Family Counseling Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Email: moradioma@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Psychiatry, School of Medicine, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran